

آموزه‌های دینی و مناسبات خانواده و زناشویی:

مورد مطالعه: زوجین شهر بندرعباس

ابراهیم اخلاصی*، یاسر رستگار**، منوچهر خرم***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۳۰

چکیده

کارکردهای دین و آموزه‌های اخلاقی و رفتاری برآمده از آن در نگهداشت و ارتقاء کیفی نهاد خانواده امری مقبول از سوی بیشتر جامعه‌شناسان است. هدف این مطالعه، شناسایی میزان گرایش زوجین شهر بندرعباس به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی و هم‌چنین، بررسی رابطه همبستگی گرایش یادشده با متغیرهای رضایت از زندگی، مناسبات عاطفی، مناسبات جنسی، ناسازگاری زناشویی و معنایی از جنسیت می‌باشد. متغیرهای اخیر در نظریات و پژوهش‌های مربوط به زنان و خانواده مهم انگاشته شده‌اند. نمونه مورد مطالعه ۴۰۰ نفر از متأهلان ساکن شهر بندرعباس هستند که بر مبنای نمونه‌گیری خوشه‌ای احتمالی مورد انتخاب قرار گرفتند. به استناد یافته‌های پژوهش، میانگین گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی در نمونه مورد مطالعه برابر با ۷۷٪ است. آزمون فرضیات پژوهش، معناداری رابطه میان متغیر یادشده با سایر متغیرهای پژوهش را نشان داد. بدین‌سان، بین میزان گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی و رضایت از زندگی، مناسبات عاطفی و مناسبات جنسی رابطه مستقیم معنادار وجود دارد؛ به‌طور متقابل، گرایش یادشده با متغیرهای روابط زناشویی و ناسازگاری زناشویی دارای رابطه معکوس معنادار است. نتیجه‌گیری مقاله ناظر به تحلیل نظری همبستگی‌های مشاهده‌شده در مطالعه است.

واژگان کلیدی: قرآن، آموزه‌های اسلامی، خانواده، روابط زناشویی، ناسازگاری زوجین، جنسیت

eb.ekhlasi@gmail.com

yaser.rastegar@gmail.com

khorr.am.0996@gmail.com

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی. (نویسنده مسئول).

** استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه هرمزگان.

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس.

طرح مسأله

خانواده در جوامع و فرهنگ‌های گوناگون از اهمیت بالایی برخوردار بوده و همواره به‌مثابه اساسی‌ترین نهاد اجتماعی، از سوی اندیشمندان علوم انسانی و اجتماعی مورد تأکید و بازشناسایی قرار گرفته است. ازدواج یک مرد و دست‌کم یک زن، وجود مناسبات خونی، اشتراک مکانی و کارکردهای گوناگون، از جمله رایج‌ترین مقولات در تعاریف خانواده هستند. بر اساس تعالیم اسلامی، خانواده مجموعه‌ای از افراد با روابط سببی و نسبی است که در آن مسئولیت اجتماعی، حقوقی، تربیتی، اقتصادی و دینی افراد، متناسب با نوع نسبت و ارتباط میان آن‌ها، تعیین می‌گردد (سالاری فر، ۱۳۸۷: ۱۳). عقد نکاح، هسته اولیه تشکیل خانواده از نظر اسلام است که در سایه آن روابط زوجیت مشروعیت پیدا می‌کند. این روابط مبتنی بر یگانگی مذهبی، ایمان، اخلاق و حقوق از پیش تعیین‌شده است و زوجین می‌توانند بر اساس خواسته‌های خود شروطی نیز به آن اضافه نمایند (لبیبی و حیدری، ۱۳۹۲: ۴۳).

مطالعه تغییرات خانواده و بررسی رابطه آن با مقولات اساسی دیگر، همچون دین و مدرنیته، امکان توصیف و تبیین عمیق‌تر آسیب‌ها و مسائل مرتبط با خانواده را فراهم می‌سازد. مدرنیته به‌عنوان نقطه عطف دوره قدیم و جدید آگاهی و بنیاد تمایز سنت و امر مدرن، مرادف با آگاهی انسان از سرشت خود و معادل با واقع‌شدن او به‌منزله پایه تفکر است که طی آن خودمختاری و خودآیینی سوژه، از محوریت تام برخوردار می‌شود. بر این مبنا، در بحث از ازدواج و خانواده، حسب مفهوم مدرنیته، مقولاتی از قبیل جایگزینی دنیاگرایی، عقل‌گرایی و عرفی‌گرایی با آخرت‌گرایی، مابعدالطبیعه‌گرایی و روابط مبتنی بر خویشاوندی و اصل و نسب مورد توجه واقع می‌شود (همان، ۴۳). در مدرنیته، انسان با خارج شدن از حاشیه، در مرکز واقع می‌شود و به‌عنوان یک عنصر مرکزی، از ایزه عمل‌شونده (مفعول شناسایی) به سوژه عمل‌کننده و فاعل شناساننده تبدیل می‌گردد (هودشتیان، ۱۳۸۱: ۱۹). مدرنیزاسیون نیز در این بین، به‌مثابه وجه ملموس و سنجش‌پذیر مدرنیته و عقل جدید در برخورد با طبیعت و جامعه تلقی می‌شود (فوزی توپسرکانی، ۱۳۸۰: ۳۷).

از نکات قابل‌ذکر در بیان نسبت مدرنیته و آسیب‌های وارد بر نهاد خانواده یکی این است که نفی نگاه دینی به عالم در غرب از یک‌سو، و تأثیرات حاصل از جنبش‌های جدید فلسفی آن دیار از سوی دیگر، علاوه بر عرفی نمودن فهم از خوشبختی و سعادت، مفهوم‌پردازی مادی‌نگرانه رضایت از زندگی را در میان غالب کنشگران مدرن موجب گردیده

است. هاریت گروس^۱ در این باره معتقد است زوج‌ها مسائلی دارند که برای یکدیگر قابل فهم نیست و دایره موضوعات مشترک بین آن‌ها کاهش یافته است. خانه از محیطی آرام و کنجی خلوت، به محیطی سرد و متشنج تبدیل شده و افراد سعی می‌کنند با روش‌هایی چون مناسک‌سازی خانوادگی^۲ این سردی را هرچند در زمانی کوتاه از بین ببرند (چیل، ۱۳۸۸: ۲۲). به استناد مطالعات موجود، اگرچه تحولات خانواده و ازدواج در مواردی با رها ساختن افراد از قیدوبندهای سنتی، باعث تسهیل در آغاز زندگی مشترک گردیده است، اما خود به عامل مهم در افول زندگی مشترک و فروپاشی زودرس آن تبدیل شده است (لیببی، ۱۳۹۲: ۴۴). تغییر در رفتار ازدواج، به موازات افزایش نرخ طلاق، در بیشتر کشورهای صنعتی اتفاق افتاده است (Bruderal et al, 1999: 1). مزید بر طلاق، بسیاری دیگر از چالش‌ها و مناسبات رایج، نظیر خشونت‌های جنسی و خانگی و هم‌چنین، چگونگی ایجاد توازن بین مسئولیت‌های کاری و خانوادگی، خانواده‌های معاصر را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند (Thompson & Hickey, 2012: 378).

عقلانی شدن زندگی و رشد فزاینده فردگرایی، آشکال جدیدی از زندگی خانوادگی را به وجود آورده است. در دنیای امروز، طلاق بیش‌ازپیش خودنمایی می‌کند، انسان‌ها منافع شخصی را بر منافع جمعی ترجیح می‌دهند و در مواردی که منافع جامعه مطرح می‌شود، باز هم‌چنان منافع فردی جایگاه خود را حفظ کرده است. مدرنیته محصولی جز این نخواهد داشت و خانواده که زمانی با همیاری و همکاری و بازتولید نسلی و زندگی در محیطی مشترک شناخته می‌شد، اینک دستخوش تحولاتی عظیم گردیده است. گسترش خانواده‌های تک‌والد و زندگی هم‌بالینی به آشکالی آشنا از زیست‌کنشگران اجتماعی در بسیاری از جوامع مدرن و یا در حال توسعه تبدیل شده است (چیل، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۲).

رویارویی نظام اجتماعی ایران با جریان مدرنیته علاوه بر ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، مبدل به سرمنشأیی جهت شکل‌گیری تأملات اجتماعی گردید (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۵: ۳). لازم به یادآوری است که تا زمان قاجار علائمی دال بر وجود مشکل میان ایرانیان و هویت تاریخی آن‌ها وجود نداشته است (کچوییان، ۱۳۸۷: ۷۱). به‌طور متقابل، در دوره پهلوی، تحت تأثیر فرایند نوگرایی برون‌گرا، تقابل جامعه ایرانی با هویت تاریخی خویش، در حوزه خانواده، رو به تضاد نهاد و بیشتر

1. Harriet Gross

2. Family Ritualization

مناسبات حاکم بر خانواده، به‌ویژه در کلان‌شهرها و طبقه متوسط ذیل عرفی‌گرایی فزاینده تعریف گردید. در این مقطع، تحول در ارزش‌ها، بروز دگرگونی‌های گسترده در نظام باوری جامعه، جایگزینی ارزش‌های نوین با ارزش‌های سنتی و تشویق نظام ارزشی نوین در قالب فرهنگ مدرن و در بستر گسترش ارتباطات فرهنگی و آموزشی، از عوامل اصلی تغییر جامعه بازشناخته شدند. فرهنگ سنتی و مذهبی نیز متأثر از فضای جدید پیش‌آمده، حذف، یا مورد بی‌اعتنایی واقع شد و متعاقباً، طبقه متوسط نوین اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین حاملان فرهنگ جدید در جامعه به ایفای نقش پرداختند (فوزی توپسرکانی، ۱۳۸۰: ۱۸۵).

از نیمه دوم قرن بیستم به این‌سو، هم‌زمان با آشکار شدن بیش‌ازپیش کارکردهای منفی برآمده از بی‌نیاز انگاشتن عقل خودبینان از نظارت امر بیرونی، آسیب‌شناسی نهاد خانواده، همواره یکی از محورهای اصلی تحقیقاتی در جامعه‌شناسی خانواده را به خود اختصاص داده است. ذیل عنوان یادشده، مطالعه رابطه میان آسیب‌های وارد بر نهاد خانواده و گرایش به آموزه‌های دینی، از زوایای مختلف مورد توجه پژوهشگران قرار می‌گیرد. عمق و گستره تأثیرگذاری آموزه‌های دینی در مسائل گوناگون مرتبط با خانواده به اندازه‌ای وسیع است که موضوع دین و خانواده، تثبیت مطالعات بین‌رشته‌ای میان جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مطالعات ادیان، خانواده پژوهی، خدمات اجتماعی، پرستاری، بهداشت عمومی و رشد کودک را باعث گردیده است. در این مطالعات، پدیده‌های متنوعی، همچون الگوهای باروری، رفتار دوست‌یابی و همسرگزینی، ازدواج درون مذهبی و تربیت فرزند مورد بررسی قرار می‌گیرد (بنگستون و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۱۹).

عرفی شدن خانواده ایرانی، بعد از انقلاب اسلامی، به‌ویژه در دهه نخست، تحت تأثیر جنگ دچار وقفه نسبی گردید. با پایان جنگ و تغییر فضای اجتماعی، روند عرفی شدن سرعت روزافزون‌تری به خود گرفت (رفیع پور، ۱۳۷۶). هم‌چنین، تحولات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و صنعتی دهه اخیر و بروز گشایش‌های عظیم در عرصه ارتباطات، از قبیل شبکه‌های اجتماعی فراگیر و سهولت دسترسی به محتوای ترویجی دینی و غیردینی، در کنار جاذبیت‌های سمعی و بصری محصولات رسانه‌ای، تغییرات بی‌سابقه‌ای را در مناسبات خانواده، ازدواج و سبک زندگی ایرانیان رقم زده‌اند. رشد سالیانه طلاق از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ (سیگر و مدنی، ۱۳۹۵: ۱۳۹-۱۴۰)، روند فزاینده زندگی مشترک بدون ازدواج در تهران، تمایل به مناسبات جنسی غیر از زندگی زناشویی در بین مجردان و

متأهلان (علی احمدی، ۱۳۸۹: ۲۹)، سکولار شدن خانواده و ظهور خانواده عرفی در قالب تحول ارزش‌های دینی، گرایش به امور زمینی در برابر امور آسمانی، شکل‌گیری خانواده جنسی شده که در آن هدف زندگی بیش از آن که ارتقای معنوی و تکامل روحی باشد، ارضای لذت‌هاست (فاضلی، ۱۳۹۳، شالچی ۱۳۸۷، صدیق ۱۳۸۲) بخشی از تغییرات متأخر در خانواده ایرانی هستند.

بدین‌سان، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، وضعیت خانواده در ایران متأثر از عوامل تغییرزای مختلفی بوده است. بعلاوه، به نظر می‌رسد بخشی از تغییرات اساسی ساختار خانواده در جوامع پیشرفته، در ایران نیز به وجود آمده است. بنا به برخی اظهارنظرها، روند عرفی شدن و احیاناً تضعیف نهاد خانواده ایرانی، مزید بر تبعات خاص آن، احتمالاً در مقایسه با تحولات مشابه در جوامع توسعه‌یافته، از سرعت بیشتری برخوردار خواهد بود (عبدی، ۱۳۹۳). تحولات یادشده در حالی به وقوع پیوسته است که تقویت، محوریت و مدخلیت خانواده طی احکام دینی و اخلاقی متعدد مورد توجه آموزه‌های وحیانی و به تبع آن، مورد تأکید قانون‌گذاران و برنامه‌ریزان نظام سیاسی قرار گرفته است. بدین‌سان، انتظار می‌رود با گذشت چهار دهه از استقرار نظام سیاسی مبتنی بر دین، خانواده ایرانی از جایگاه تثبیت‌شده‌تری برخوردار گشته و رنگ‌ورویی به‌مراتب دینی‌تر به خود می‌گرفت؛ این در حالی است که به استناد مطالعات انجام‌شده، که تعدادی از آن در سطور پیشین مورد اشاره قرار گرفت، وضع موجود خانواده همخوانی قابل ملاحظه‌ای با انتظارات مورد نظر درباره آن ندارد، چرا که روند فعلی بیشتر حاکی از عرفی شدن روزافزون نهاد خانواده در ایران است، تا دینی‌تر شدن آن. آزاد ارمکی، در باب ضرورت مطالعه مسائل خانواده ایرانی در نسبت با دین معتقد است نهاد خانواده در کنار دین و سیاست، از گذشته تاکنون سازنده جامعه ایرانی بوده است. از نظر وی، با وجود توسعه نهادی از آغاز قرن بیستم، این سه نهاد همچنان شکل‌دهنده ساختار روابط اجتماعی جامعه ایران هستند و هر نوع تغییری در جامعه ایرانی ریشه در خانواده دارد (لبیعی، ۱۳۹۳: ۲۷).

با توجه به مقدمات مطرح شده، و با این یادآوری که حسب مطالعات فراوان داخلی و خارجی، محوریت آموزه‌های دینی در خانواده و مناسبات زوجین، می‌تواند به‌منزله یک ضلع اساسی در مانایی خانواده ایفای نقش نماید، سعی نویسندگان در این مطالعه بر آن است تا علاوه بر شناسایی و توصیف میزان گرایش زوجین شهر بندرعباس به آموزه‌های دینی، تحلیل‌های نظری مرتبط را در این‌باره ارائه نمایند. شهر بندرعباس همچون سایر مراکز

استان‌ها، روندهای معمول تغییر در الگوهای خانواده، از جمله افزایش طلاق را تجربه می‌کند؛ بعلاوه، نرخ پایین بیکاری در این شهر، آن را به مرکزی مهاجرپذیر با تنوعی از اقوام و گروه‌ها تبدیل کرده است. این وضعیت در بندرعباس باعث شده است تا مسائل خانواده، به دلیل عدم وجود نظارت اجتماعی و فرهنگی و جابجایی جمعیتی، از پیچیدگی بیشتر برخوردار گردد. همین امر، ضرورت شناسایی میزان گرایش زوجین شهر بندرعباس به آموزه‌های دینی و تحلیل مسائل مرتبط با خانواده از منظر اسلامی را دو چندان می‌سازد.

مبانی نظری پژوهش

مباحث نظری ذیل عناوین تبیین آسیب‌های خانواده با تأکید بر اندیشه دینی و بازدارنده بودن اندیشه دینی از بروز آسیب‌ها در نهاد خانواده ارائه می‌گردد.

به منظور تبیین نظری آسیب‌های خانواده از منظر دینی، مفهوم طلاق عاطفی می‌تواند نقطه شروع مناسب تحلیل در نظر گرفته شود. طلاق عاطفی و متعاقب آن، طلاق قانونی و شرعی، از شایع‌ترین آسیب‌های خانواده تلقی می‌شوند. با وجود تلاش نظریه‌پردازان جهت ساماندهی دانش در مورد طلاق، هنوز تبیین مستحکمی در آن باره وجود ندارد. سطوح چندگانه اجتماعی، تاریخی و فرهنگی، در کنار عوامل فردی و روان‌شناختی به‌طور تعاملی در بروز مراتب مختلف طلاق و اضمحلال خانواده مؤثر می‌باشند. تغییر در نقش خانواده، تغییر شرایط اقتصادی، افزایش کار و نیازهای خانواده و عوامل دموگرافیک از جمله مصادیق انضمامی‌تر عوامل یادشده هستند (کلارک و برنتانو، ۱۳۸۶: ۶۳-۶۵).

طلاق عاطفی اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی است که طی آن احساس بیگانگی جایگزین مناسبات همدلانه زناشویی می‌شود (Oslan & Defrain, 2006: 449). کاهش تاب‌آوری ذهنی و روانی در زندگی زناشویی، عدم تأمین نیازهای عاطفی، عدم گذران وقت با یکدیگر، رفتارهای خشونت‌آمیز، عدم همدلی و همراهی، نارضایتی جنسی، فرزندآوری تأخیری، عدم تعادل روحی زوجین، بی‌توجهی و عدم احساس مسئولیت آن‌ها نسبت به یکدیگر، مشکلات ارتباطی و بی‌اعتمادی، برخی از مهم‌ترین عوامل و پیامدهای مؤثر در بروز طلاق روانی و در نهایت، طلاق قانونی و از هم‌پاشیدگی خانواده محسوب می‌شوند. با وجود این که در مطالعات گوناگون، متأثر از ملاحظات روش‌شناختی و پژوهشی و نیز با هدف تلاش جهت بازنمایی مؤثرتر یافته‌های تحقیقاتی، مجموعه عوامل پیش‌تر یادشده، از یکدیگر تفکیک می‌شوند، اما واقع امر،

درهم‌تنیدگی دیالکتیکی علل و پیامدهای طلاق عاطفی را نشان می‌دهد. از زمانی که انسان به سوژه بدل شد، آگاهی و عمل او صرف نظر از نیروهای فرازمینی شکل گرفته است. هیچ عامل بنیادین و تاریخی، اساس آزادی انسان را مشروط به خود نمی‌کند. بی‌نهایت در نگاه انسان، نهفته در میل و تعبیر او از جهان استوار است (هودشتیان، ۱۳۸۱: ۳۲). نسبت میان فراز اخیر و آسیب‌های خانواده، طی سطور بعدی بیش‌ازپیش آشکارتر خواهد شد.

فردگرایی، اصالت لذت و معنایابی عرفی از جهان هستی از جمله لوازم سوژگی انسان مدرن هستند که وجوهی از نارضایتی از زندگی را، به‌مثابه مقوله‌ای فراگیر در میان کنشگران مدرن، موجب گشته‌اند؛ در فردگرایی، برآورده شدن خواسته‌ها و لذت‌بی‌پایان فردی، مبنای کنش انسان قرار می‌گیرد. از این روی گفته می‌شود انسان جدید در اسارت مفاهیم خود واقع شده است و لازم است همیشه در جستجوی ارضاء نامحدود خود باشد؛ او باید در پیروی از طبیعت‌گرایی که مخالف ارزش ذاتی نظم طبیعت است، خود را وقف لذت‌جسمانی نماید، بی‌آن که کمترین علاقه‌ای به اهمیت جسم در معنی دینی متافیزیکی و جهان‌شناختی آن داشته باشد (نصر، ۱۳۹۲: ۲۰۹). تمایلات یادشده، فاقد هر گونه حد یقف بوده و تحقق کنش‌های معطوف به آن‌ها، قهراً زمینه‌ساز طیف گسترده‌ای از مناسبات فردی و اجتماعی بعدی و هم‌چنین، نیازهای جدید دیگر است. پژوهشگران در بیشتر مطالعات اجتماعی، در بحث از آسیب‌های خانواده، غالباً به عوامل عینی و پسینی مؤثر در بروز ناروایی‌ها پرداخته‌اند و مبادی معرفتی پیشینی مؤثر در پیدایش وضع موجود خانواده را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. اصالت لذت، به‌منزله یکی از آموزه‌های برآمده از عقل خودبنیاد، به معنای استفاده حداکثری از قوای حسی و غریزی است که نتوانسته است به تکوین آرامش و رضایت خاطر انسان منتهی گردد؛ تلاش انسان مدرن برای بهره‌برداری حداکثری از قوای حسی و غریزی، مناسبات و پیامدهای بی‌پایان بعدی را برای او رقم زده است.

عدم التفات خاطر اندیشه مدرن به روح انسانی به‌منزله امری الهی^۱ و اقتضائات آن، انسان جدید را، بیش از هر زمان دیگر، در تلاش برای وصول به آرامش و خوشبختی، به استیصال رهنمون ساخته است. این در حالی است که با در نظر گرفتن ذات انسانی که سرشار از استعدادهای اساسی برای پیشبرد یک زندگی ارزشمند و معنادار است، می‌توان به این دریافت رسید که دو قلمرو آن چنان که هست، و آن چنان که باید، در کمال

۱. «و یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی و ما اوتیتم من العلم الا قلیلاً». (اسراء: ۸۵)؛ و از تو درباره «روح» سؤال می‌کنند، بگو: «روح از فرمان پروردگار من است و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است.

هماهنگی، با یکدیگر پیوسته و ممزوج می‌باشند (جعفری، ۱۳۷۸: ۲۴۶)، آرامش روح در گرو ملاحظه این به‌هم‌پیوستگی و چینش مناسبات فردی و اجتماعی، به گونه‌ای معطوف به مبداء و غایت تکوین، در یک گستره ازل تا ابد، یعنی خداوند متعال، می‌باشد.^۱ در این میان، فطرت که از آن با عنوان ام‌المعارف یاد شده است، وجه اشتراک میان همه انسان‌ها را، صرف نظر از عوامل بیرونی، از جمله نوع جامعه‌پذیری شکل می‌دهد.^۲ بر اساس نظریه فیلسوفان مسلمان، انسان از یک سلسله معلومات فطری برخوردار است که به محض عرضه آن‌ها بر ذهن، بدون هر گونه نیاز به اقامه دلیل، مورد پذیرش ذهن قرار می‌گیرند (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۱۳). به بیان دیگر، فطرت و عقل، به‌عنوان رسول درونی، به خودی خود اجمالاً واجد پاره‌ای ادراکات هستند که تفصیل آن در قالب نزول وحی بر رسول بیرونی از ناحیه خداوند در اختیار انسان‌ها قرار گرفته است.

در ادامه تبیین رابطه این سنخ مباحث با مسائل خانواده، به این بیان اکتفاء می‌شود که مذهب با در اختیار گذاشتن راهنمایی‌های زمینه‌ای، زوجین را از منظر تئوریک در مدیریت تضادهای زناشویی یاری می‌رساند (Lambert & Dollahite, 2006: 439). با وجود اهمیت چشم‌انداز مذهبی در قبال مسائل خانواده، نباید کارکردهای منفی حاصل از سوء برداشت‌های صورت گرفته در تفسیر متون دینی و همچنین، نقش مخرب گزینش‌های یک‌سویه و نامتوازن از آن متون در بروز اختلافات زناشویی از نظر دور نگه داشته شود. برداشت‌های تفسیری ناصواب از برخی آیات قرآن مجید، از جمله آیه «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم»^۳ که ذیل آن مردسالاری و بی‌توجهی اسلام به زنان به اشتباه نتیجه گرفته شده است، از جمله این سنخ لغزش‌های تفسیری است. بدیهی است که آیه یادشده مربوط به زن در مقابل شوهر است، نه زن در مقابل مرد؛ ثانیاً، قیومیت معیار فضیلت نبوده، بلکه مصداق وظیفه است؛ ثالثاً، قیومیت ناظر به قییم بودن زن و مرد در قبال اصول خانواده است؛ به گونه‌ای که گاهی زن قییم مرد و

۱. «قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین». (انعام: ۱۶۱)؛ بگو: «نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است».

۲. «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله الّتی فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین قییم و لکن اکثر الناس لا یعلمون». (روم: ۳۰). پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده و دگرگونی در آفرینش الهی نیست این است آیین استوار ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

۳. (نساء: ۳۴). مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند.

در مواردی، مرد قیّم زن است، بدین‌سان، در اصول خانوادگی بسیاری از مسائل عوض می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۳۹۳).

جمع‌بندی این بخش از مباحث نظری مؤید این معناست که سه وجهی فطرت، وحی و روح، وجه افتراق اندیشه دینی، از اندیشه مدرن حاصل از جنبش‌های فلسفی جدید را تشکیل می‌دهد؛ بر این اساس، بسیاری از آسیب‌های خانوادگی موجود متأثر از بی‌توجهی کنشگران و ساختارهای اجتماعی به اقتضائات نظری، روانی و عملی برآمده از فطرت محقق گشته‌اند. بر این مبنا، انتظار این است که پاسداشت لوازم فطرت، منطبق با معنایی که مورد اشاره قرار گرفت، به ایجاد و گسترش وحدت روحی انسان‌ها منتهی شود؛ مفروض به ملاحظه اقتضائات یاد شده، تحقق فردیت مشروط، موضوعیت یافتن تلاش‌های این جهانی، ذیل حقیقت واحد و سرانجام، واقع‌شدن آن‌ها در روابط عاری از فردگرایی افراطی امری دور از ذهن نخواهد بود. قرآن مجید، از حالت آرمانی یادشده در مناسبات زناشویی با عنوان رحمت و مودت^۱ یاد نموده است. مودت بین زن و شوهر از نشانه‌های الهی به شمار می‌آید و ممکن است به این حقیقت اشاره داشته باشد که رابطه زناشویی، برخلاف روابط اجتماعی، دربردارنده عاملی وحدت‌بخش و انسجام‌دهنده است که تداوم رابطه را با وجود تضادها و اختلاف منافع و علقه‌های زن و شوهر تضمین می‌کند (بستان، ۱۳۸۵: ۹۱). روشن است که متعاقب تثبیت این نوع از وحدت در میان زوجین، وقوع آسیب‌های خانوادگی به میزان قابل‌ملاحظه‌ای رو به کاهش می‌گذارد.

ادامه مباحث نظری پژوهش، ناظر به نقش بازدارنده اندیشه دینی در کاهش آسیب‌های خانواده، به‌مثابه یک واقعیت اجتماعی است. در اینجا، به‌طور مشخص به دنبال طرح این گزاره هستیم که با وجود فراگیری ساختارهای کلان اجتماعی و فرهنگی غیر همسو با اقتضائات اندیشه وحیانی و بازتولید متقابل آن‌ها از سوی یکدیگر، هم‌چنین، وجود پیامدهای برآمده از ساختارهای یادشده، اما، اتخاذ رویکرد تأملی و بازاندیشانه نسبت به باورها و مناسبات سکولار، بر پایه محکّمات اندیشه دینی، می‌تواند نقش بی‌بدیلی را در کاهش آسیب‌های خانواده، در شرایط فعلی ایفاء نماید.

۱. «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون». (روم: ۲۱). و باز یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و با هم انس بگیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود. در این امر نیز برای مردم بافکرت ادله‌ای (از علم و حکمت حق) آشکار است.

ادعای مطرح شده را با عطف به نظریه دین به مثابه منبع فرهنگی بهتر می‌توان مستند و مدلل نمود. از نظر کیلفورد گیرتز^۱، دین عبارت از نظامی از نمادهای عمل کننده است که وسیله صورتبندی مفاهیم در هاله‌ای از واقعیت‌مندی، باعث ایجاد روحيات و انگیزه‌های قدرتمند، فراگیر و پایدار در انسان‌ها می‌گردد (پالس، ۱۳۸۵: ۳۴۱). اندیشه دینی متضمن ظهور انواع نهادهای مذهبی بوده‌اند. به لحاظ تاریخی و در ارتباط با مناسبات خانواده و زناشویی، نهادهای دینی، نقش محوری را در شکل‌دهی به ویژگی و کیفیت روابط صمیمی^۲ والدین [، زوجین و فرزندان] با یکدیگر ایفاء نموده‌اند. مذهب از طریق ارائه و تأمین طیف گسترده‌ای از ارزش‌های ناظر به روابط، هنجارها و حمایت‌های اجتماعی، به‌طور مستقیم کیفیت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هنجارها و حمایت‌های متأثر از مذهب نیز به‌طور هم‌زمان، موجب ارتقاء و تشویق زوجین نسبت به اتخاذ نگاه مثبت نسبت به روابط زناشویی و امتناع از هر گونه رفتار نامتناسب و زیان‌آور در نسبت با مناسبات زناشویی و ازدواج می‌گردند (Wolfinger et al, 2008: 1311, 2014: 516).

از منظر ادیان توحیدی و به‌طور مشخص، از نگاه اسلام، حقیقت هستی حصر در ماده و امر محسوس ندارد؛ دین اسلام، هم‌چنین، قائل به وجود غایت برای هستی و سایر مخلوقات می‌باشد؛ در واقع، حسب آموزه‌های دینی، برای هستی و پدیده‌های گوناگون آن نوعی معنا اراده می‌شود که مستند به حکمت بالغه خداوند است. بعلاوه، از دیگر کارکردهای اصلی باور مؤمنانه به آموزه‌های دینی، ارتقاء قابلیت پیش‌بینی پذیری رفتار، نسبت به یکدیگر است که می‌تواند در تثبیت و تحکیم مبانی خانواده مفید به فایده واقع گردد. مؤمنان، به اعتبار باورهای مؤمنانه، مجاز به انجام یک فعل و استنکاف از انجام فعل دیگر، به استناد تلقیات و برداشت‌های غیر روشمند شخصی و با صرف نظر از تطبیق کنش‌های فردی و جمعی خود با موازین مشخص، نیستند^۳. در واقع، متأثر از باورهای مؤمنانه، آموزش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی، مستند رفتار واقع می‌شوند و بدین ترتیب، باعث پیش‌بینی‌پذیری کنش‌های زوجین در نسبت با یکدیگر، به بهترین وجه ممکن می‌گردند.

1. Clifford Geertz

2. Intimate relationships

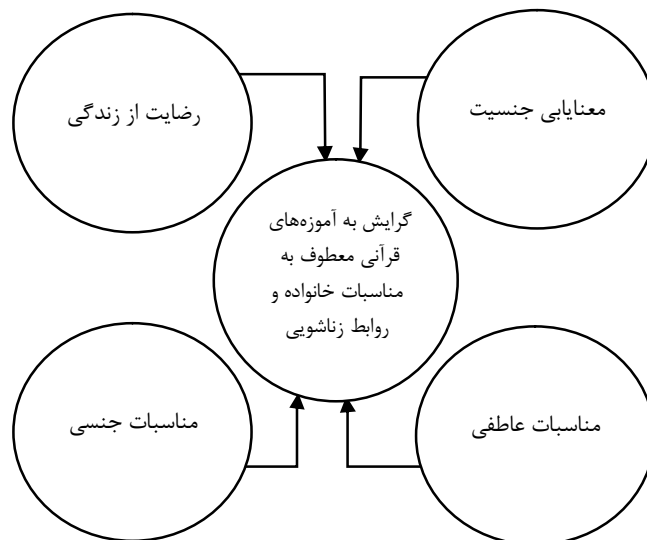
۳. «و ما کان لمؤمن و لا مؤمنه اذا قضی الله و رسوله امرا ان یکون لهم الخیره من امرهم و من یعص الله و رسوله فقد ضلّ ضللاً مبیناً». (احزاب: ۳۶). و هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارند هنگامی که خدا و رسولش امری را مقرر کنند، از سوی خود امر دیگری را اختیار کنند و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی نماید، پس بدون شک به گمراهی آشکاری گرفتار شده است.

عنصر باور بیانگر میزان اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی و همچنین، تعهد او نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه و وفاداری وی به آنهاست. به نظر تراویس هیریشی^۱، اگر فردی به گونه‌ای جدی این باور را داشته باشد که درگیر شدن در صورت‌هایی خاص از رفتار، کار درستی نیست، برای او مشارکت در آن رفتارها امری دور از تصور خواهد بود. در مقابل، کسانی که اعتقاد و وفاداری ضعیفی نسبت به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی دارند، ممکن است تمایل بیشتری به نادیده گرفتن آنها داشته باشند و بیشتر مبادرت به کجروی نمایند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۳۹۳). تأکید اندیشه دینی بر مفهوم باور، مرادف دانستن آن با ایمان و بالاتر انگاشتن باور از مرتبه دانستن، از کارکردهای مثبت، بازدارنده و منحصر بفرد اندیشه دینی در ترغیب مؤمنانه زوجین به انجام کنش‌های همسو با تثبیت، تحکیم و تعالی خانواده است.

دین به‌مثابه نظام فرهنگی بدین معناست که در یک‌سو، مفاهیم مربوط به جهان قرار دارند و در سوی دیگر، مجموعه‌ای از روحيات و انگیزه‌های هدایت شده به وسیله ایده‌آل‌های اخلاقی. عناصر یاد شده روی هم رفته در کانون دین قرار دارند و با ارجاع به جهان‌بینی^۲ و خُلقیات^۳، یعنی با عطف به ایده‌های مفهومی و تمایلات رفتاری خلاصه می‌شوند (پالس، ۱۳۸۵: ۳۴۵). طبیعی است مقولات سه‌گانه باور، جهان‌بینی و ایده‌آل‌های اخلاقی که در تلقی فرهنگی از دین مورد توجه قرار می‌گیرند، می‌توانند نقش بی‌همتایی را در افزایش تاب‌آوری زناشویی و نیز، مواجهه معقول با ناروایی‌ها، با هدف محوریت بخشیدن به نگهداشت و ارتقاء کانون خانواده ایفاء نمایند. از باب مثال، بیان رسول خدا (ص) با این مضمون که شکیبایی مرد بر بد اخلاقی همسرش پاداش معادل با صبر ایوب را برای آن مرد به همراه دارد^۴، صرفاً با اتکال به باورمندی به امر ماوراء، به‌مثابه نوعی از جهان‌بینی، که کارکردهای مثبت فراوانی را در تثبیت خانواده از خود بر جای می‌گذارد، فهم‌پذیر می‌گردد. با عنایت به مجموع مباحث نظری نویسندگان مقاله، مدل مفهومی ذیل را پیشنهاد و آن را در قالب فرضیات پژوهشی مورد آزمون تجربی قرار می‌دهند.

1. Travis Hirshi
2. worldview
3. ethos

۴. ثواب الاعمال، ص. ۲۸۷، به نقل از جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۵۳.



شکل ۱- مدل نظری تحقیق

۱. به نظر می‌رسد بین میزان رضایت از زندگی مشترک و گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی در میان زوجین شهر بندرعباس رابطه معناداری وجود دارد. (فرضیه اصلی).
۲. به نظر می‌رسد بین مناسبات عاطفی و گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی در میان زوجین شهر بندرعباس رابطه معناداری وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین مناسبات جنسی و گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی در میان زوجین شهر بندرعباس رابطه معناداری وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد بین ناسازگاری زوجین و گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی در میان زوجین شهر بندرعباس رابطه معناداری وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد بین معنایابی جنسیت و گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی در میان زوجین شهر بندرعباس تفاوت معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از راهبرد قیاسی و در قالب ارائه مجموعه‌ای از فرضیات انجام شده است. روش تحقیق، توصیفی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، زوجین شهر

بندرعباس در سال ۱۳۹۵ هستند. برای رسیدن به بهترین نتیجه، در محاسبه حجم نمونه، بالاترین حد p و q یعنی $۰/۵$ ، سطح اطمینان $۰/۹۵$ و خطای $۰/۰۵$ و $t = ۱/۹۶$ و $d = ۰/۰۵$ در نظر گرفته شد. بر این اساس، حجم نمونه ۳۸۵ نفر برآورد گردید. به منظور افزایش دقت، افراد نمونه به ۴۰۰ نفر ارتقاء داده شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه گردآوری شده‌اند. روایی پرسشنامه، طی مشورت با صاحب‌نظران حوزه مطالعات خانواده و لحاظ نقطه نظرات و پیشنهاد‌های اصلاحی آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. با هدف آگاهی از کاستی‌های احتمالی، پرسشنامه به صورت تصادفی بین ۴۰ نفر از افراد جامعه آماری توزیع و پس از ورود داده‌ها به نرم افزار SPSS تعدادی از گویه‌ها حذف و در نهایت، ضریب آلفای کرونباخ شاخص‌های پژوهش بدین شرح بدست آمد: میزان گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و زناشویی، با ۱۵ گویه سازنده، (۰/۷۲)، مناسبات عاطفی، با ۱۵ گویه، (۰/۷۱)، مناسبات جنسی، با ۱۴ گویه، (۰/۵۴)، ناسازگاری زناشویی، با ۱۰ گویه، (۰/۸۵)، و «معنایابی جنسیت»، با ۱۵ گویه، (۰/۸۰). تحلیل کمی داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی به انجام رسیده است. در آمار توصیفی، فراوانی، درصد و میانگین و در آمار استنباطی، فرضیه‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهش

مهم‌ترین یافته‌های توصیفی پژوهش به شرح زیر گزارش می‌شود.

فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیر جنس، سن، تحصیلات و درآمد

چشم‌انداز توصیفی وضعیت زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی پاسخگویان بر مبنای متغیرهای جنس، گروه سنی، میزان تحصیلات و میزان درآمد بدین ترتیب است؛ $۳۹/۸\%$ پاسخگویان (۱۵۹ نفر) زن هستند. $۶۰/۳\%$ پاسخگویان را مردان تشکیل می‌دهند؛ (۲۴۱ نفر). بدین ترتیب، فراوانی مردان بیشتر از زنان است. در نسبت با گروه سنی، $۵۳/۸\%$ درصد (۲۱۵ نفر) در گروه سنی ۱۹ تا ۲۵ سال، $۱۸/۸\%$ (۷۵ نفر) در گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال، $۹/۸\%$ (۳۹ نفر) در گروه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال، $۸/۳\%$ (۳۳ نفر) در گروه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال، ۴% (۱۶ نفر) در گروه سنی ۴۰ تا ۴۵ سال و سرانجام، $۵/۵\%$ (۲۲ نفر) در گروه سنی ۴۶ تا ۵۰ سال قرار دارند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بیشترین فراوانی پاسخگویان مربوط به گروه سنی ۱۹-۲۵ سال و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۴۶-۵۰ سال می‌باشد.

جدول ۱- توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای و دموگرافیک

جنس			سن			تحصیلات			میزان درآمد (تومان)			
مقوله	فراوانی	درصد	رده سنی	فراوانی	درصد	سطح	تعداد	درصد	گروه درآمدی	تعداد	درصد	
زن	۱۵۹	۳۹/۸	۵۰-۴۶	۲۲	۵/۵	دانشگاهی	۳۱۱	۷۷/۸	۳۰۰۰۰۰۰ و بالاتر	۳۹	۹/۸	
			۴۵-۴۰	۱۶	۴							
			۴۰-۳۶	۳۳	۸/۳	دیپلم	۶۹	۱۷/۳	۲۰۰۰۰۰۰-۲۹۹۹۰۰۰	۶۴	۱۶	
مرد	۲۴۱	۶۰/۳	۳۵-۳۱	۳۹	۹/۸	زیر دیپلم	۷	۱/۸	۱۰۰۰۰۰۰-۱۹۹۹۰۰۰	۱۱۴	۲۸/۵	
			۳۰-۲۶	۷۵	۱۸/۸	بی‌سواد	۱۳	۳/۳	۵۰۰۰۰۰۰-۹۹۹۰۰۰	۱۸۳	۴۵/۸	
			۲۵-۱۹	۲۱۵	۵۳/۸							
جمع	۴۰۰	۱۰۰	جمع	۴۰۰	۱۰۰	جمع	۴۰۰	۱۰۰	جمع	۴۰۰	۱۰۰	

از نظر تحصیلات، ۳۱۱ نفر (۷۷/۸٪) تحصیلات دانشگاهی دارند. تحصیلات ۶۹ نفر (۱۷/۳٪)، در سطح دیپلم است. ۷ نفر (۱/۸٪) تحصیلات زیر دیپلم دارند. ۱۳ نفر (۳/۳٪) بی‌سواد هستند. بدین‌سان، بیشترین فراوانی پاسخگویان از نظر سطح تحصیلات مربوط به برخورداران از تحصیلات دانشگاهی است. پاسخگویان بی‌سواد، کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. در توصیف وضعیت درآمدی پاسخگویان، می‌توان گفت ۱۸۳ نفر (۴۵/۸٪) درآمد ماهیانه ۵۰۰ هزار الی ۹۹۹ هزار تومان دارند. ۱۱۴ نفر (۴۵/۸٪) از درآمد ماهیانه ۱ الی ۱ میلیون و ۹۹۹ هزار تومان برخوردار هستند. درآمد ماهیانه ۶۴ نفر (۱۶٪) بین ۲ میلیون تا ۲ میلیون و ۹۹۹ هزار تومان است. درآمد ماهیانه ۳۹ نفر از پاسخگویان، که ۹/۸٪ کل پاسخگویان را به خود اختصاص داده‌اند، ۳ میلیون تومان و بالاتر در ماه می‌باشد. بر این اساس، درآمد بیشتر پاسخگویان بین پانصد هزار تا نهصد و نود و نه هزار تومان است. برخورداران از درآمد ۳ میلیون تومان و بالاتر، کمترین فراوانی را دارند.

فراوانی گروه‌های سنی، سطح تحصیلات و میزان درآمد پاسخگویان بر حسب متغیر جنس
در این بخش، پاسخگویان بر اساس متغیر جنس، به دو گروه زنان و مردان تفکیک و سپس فراوانی متغیرهای زمینه‌ای و جمعیتی، بر حسب آن گزارش شده‌اند. (جدول ۲) در

میان زنان، ۱۱۲ نفر (۰/۷۰/۴) در گروه سنی ۱۹-۲۵ سال قرار دارند؛ ۱۹ نفر (۰/۱۱/۹) در گروه سنی ۲۶-۳۰ سال واقع شده‌اند؛ ۱۰ نفر (۰/۶/۳) در گروه سنی ۳۱-۳۵ سال، ۱۱ نفر (۰/۶/۹) در گروه سنی ۳۶-۴۰ سال، ۳ نفر (۰/۱/۹) در گروه سنی ۴۰-۴۵ سال، و ۴ نفر (۰/۲/۵) در گروه سنی ۴۶-۵۰ سال قرار دارند. در میان مردان، ۱۰۳ نفر (۰/۴۲/۷) در گروه سنی ۱۹-۲۵ سال، ۵۶ نفر (۰/۲۳/۲) در گروه سنی ۲۶-۳۰ سال، ۲۹ نفر (۰/۱۲) در گروه سنی ۳۱-۳۵ سال، ۲۲ نفر (۰/۹/۱) در گروه سنی ۳۶-۴۰ سال، ۱۳ نفر (۰/۵/۴) در گروه سنی ۴۰-۴۵ سال، و ۱۸ نفر (۰/۷/۵) در گروه سنی ۴۶-۵۰ سال قرار دارند. بدین ترتیب، در میان مردان و زنان، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۱۹-۲۵ سال و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۴۶-۵۰ سال است.

در میان زنان، ۱۲۹ نفر (۰/۸۱/۱) تحصیلات دانشگاهی دارند. ۲۴ نفر (۰/۱۵/۱) از تحصیلات دیپلم و ۲ نفر (۰/۱/۳) از تحصیلات زیر دیپلم برخوردار می‌باشند. ۲ نفر (۰/۲/۵) بی‌سواد هستند. بعلاوه، در میان مردان، ۱۸۲ نفر (۰/۷۵/۵) برخوردار از تحصیلات دانشگاهی هستند. ۴۵ نفر (۰/۱۸/۷) دارای تحصیلات دیپلم، ۵ نفر (۰/۲/۱) تحصیلات زیر دیپلم و ۹ نفر (۰/۳/۷) بی‌سواد هستند. بدین‌سان، در هر دو گروه جنسیتی، بیشترین فراوانی مربوط به افراد برخوردار از تحصیلات دانشگاهی و کمترین فراوانی مربوط به افراد بی‌سواد است.

سرانجام، در میان زنان، ۸۵ نفر (۰/۵۳/۵) در گروه درآمدی ۵۰۰ تا ۹۹۹ هزار تومان واقع شده‌اند، ۴۴ نفر (۰/۲۷/۷) در گروه درآمدی ۱ تا ۱ میلیون و ۹۹۹ هزار تومان قرار دارند، ۱۷ نفر (۰/۱۰/۷) از درآمد بین ۲ تا ۲ میلیون و ۹۹۹ هزار تومان برخوردار هستند و ۱۳ نفر (۰/۸/۲) دارای درآمد ۳ میلیون تومان و بالاتر هستند. هم‌چنین، در میان مردان، ۹۸ نفر (۰/۴۰/۷) در گروه درآمدی ۵۰۰ تا ۹۹۹ هزار تومان واقع شده‌اند، ۷۰ نفر (۰/۲۹) در گروه درآمدی ۱ تا ۱ میلیون و ۹۹۹ هزار تومان قرار دارند، ۴۷ نفر (۰/۱۹/۵) از درآمد بین ۲ تا ۲ میلیون و ۹۹۹ هزار تومان برخوردار هستند و ۲۶ نفر (۰/۱۰/۸) دارای درآمد ۳ میلیون تومان و بالاتر هستند. با این توضیح، در میان مردان و نیز در میان زنان، بیشترین فراوانی مربوط به گروه درآمدی ۵۰۰ تا ۹۹۹ هزار تومان، و کمترین فراوانی مربوط به گروه درآمدی ۳ میلیون تومان و بالاتر است.

جدول ۲- توزیع گروه سنی، تحصیلات و درآمد پاسخگویان بر حسب متغیر جنس

جنس	سن			میزان تحصیلات			میزان درآمد (تومان)		
	رده سنی	تعداد	درصد	سطح	تعداد	درصد	گروه درآمدی	تعداد	درصد
زن	۵۰-۴۶	۴	۲/۵	دانشگاهی	۱۲۹	۸۱/۱	۳۰۰۰۰۰۰ و بالاتر	۱۳	۸/۲
	۴۵-۴۰	۳	۱/۹						
	۴۰-۳۶	۱۱	۶/۹	دیپلم	۲۴	۱۵/۱	۲۰۰۰۰۰۰-۲۹۹۹۰۰۰	۱۷	۱۰/۷
	۳۵-۳۱	۱۰	۶/۳	زیر دیپلم	۲	۱/۳	۱۰۰۰۰۰۰-۱۹۹۹۰۰۰	۴۴	۲۷/۷
	۳۰-۲۶	۱۹	۱۱/۹	بی سواد	۴	۲/۵	۵۰۰۰۰۰۰-۹۹۹۰۰۰	۸۵	۵۳/۵
	۲۵-۱۹	۱۱۲	۷۰/۴						
جمع	۱۵۹	۱۰۰	جمع	۱۵۹	۱۰۰	جمع	۱۵۹	۱۰۰	
مرد	۵۰-۴۶	۱۸	۷/۵	دانشگاهی	۱۸۲	۷۵/۵	۳۰۰۰۰۰۰ و بالاتر	۲۶	۱۰/۸
	۴۵-۴۰	۱۳	۵/۴						
	۴۰-۳۶	۲۲	۹/۱	دیپلم	۴۵	۱۸/۷	۲۰۰۰۰۰۰-۲۹۹۹۰۰۰	۴۷	۱۹/۵
	۳۵-۳۱	۲۹	۱۲	زیر دیپلم	۵	۲/۱	۱۰۰۰۰۰۰-۱۹۹۹۰۰۰	۷۰	۲۹
	۳۰-۲۶	۵۶	۲۳/۲	بی سواد	۹	۳/۷	۵۰۰۰۰۰۰-۹۹۹۰۰۰	۹۸	۴۰/۷
	۲۵-۱۹	۱۰۳	۴۲/۷						
جمع	۲۴۱	۱۰۰	جمع	۲۴۱	۱۰۰	جمع	۲۴۱	۱۰۰	

فراوانی پاسخگویان بر حسب مقادیر رتبه‌بندی شده شاخص‌های تحقیق

در ادامه گزارش یافته‌های توصیفی، فراوانی ۶ شاخص مطالعه شده در این پژوهش به صورت رتبه‌بندی شده در سه سطح بالا، متوسط و کم آورده می‌شود. در مورد شاخص گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی، بیشترین فراوانی مربوط به افرادی است که از گرایش بالا به آموزه‌های قرآنی برخوردار هستند (۲۵۹ نفر، ۶۴/۸٪). ۱۳۰ نفر، (۳۲/۵٪) گرایش متوسط در این باره دارند؛ سرانجام، ۱۱ نفر، (۲/۸٪) دارای گرایش پایین نسبت به آموزه‌های قرآنی معطوف به خانواده و مناسبات زناشویی می‌باشند.

شاخص رضایت از زندگی حاصل تجمیع شاخص‌های مناسبات عاطفی، مناسبات جنسی، ناسازگاری زناشویی^۱ و معنایابی جنسیت است. با این توضیح، ۳۲۹ نفر، (۸۲/۳٪) از سطح بالای رضایت از زندگی برخوردار هستند. ۶۷ نفر، (۱۶/۸٪) سطح متوسط رضایت از زندگی دارند و ۴ نفر، (۱٪) سطح پایین رضایت از زندگی دارند. افراد برخوردار از ناسازگاری زناشویی پایین، دارای بیشترین فراوانی هستند (۲۱۹ نفر، ۵۴/۸٪). ۱۴۹ نفر، (۳۷/۳٪) ناسازگاری زناشویی متوسط دارند. سرانجام این که ۳۲ نفر از پاسخگویان، (۸٪) دارای ناسازگاری زناشویی بالا می‌باشند.

با یادآوری سطح بندی شاخص معنایابی جنسیت به وجوه اسلامی، تقریباً اسلامی و غیر اسلامی، بیشترین فراوانی مربوط به افرادی است که معنای اسلامی از جنسیت اراده کرده‌اند؛ (۶۴/۸٪) (۱۳۳ نفر، ۳۳/۳٪). ۲۵۹ نفر، از پاسخگویان معنای تقریباً اسلامی را برای جنسیت در نظر گرفته‌اند. سرانجام این که ۸ نفر از پاسخگویان، (۲٪) معنای غیر اسلامی برای جنسیت در نظر گرفته‌اند. مقادیر رتبه‌بندی شده شاخص‌های مناسبات عاطفی و مناسبات جنسی با رجوع به جدول ۳ قابل برداشت می‌باشد.

جدول ۳- آماره‌های توصیفی شاخص‌های شش‌گانه پژوهش بر حسب سطح ترتیبی

مناسبات عاطفی			رضایت از زندگی			گرایش به آموزه‌های قرآنی.		
درصد	فراوانی	سطح	درصد	فراوانی	سطح	درصد	فراوانی	سطح
۷۷	۳۰۸	بالا	۸۲/۳	۳۲۹	بالا	۶۴/۸	۲۵۹	بالا
۲۱/۵	۸۶	متوسط	۱۶/۸	۶۷	متوسط	۳۲/۵	۱۳۰	متوسط
۱/۵	۶	پایین	۱	۴	پایین	۲/۸	۱۱	پایین
۱۰۰	۴۰۰	جمع	۱۰۰	۴۰۰	جمع	۱۰۰	۴۰۰	جمع
معنایابی جنسیت			ناسازگاری زناشویی			مناسبات جنسی		
درصد	فراوانی	نوع	درصد	فراوانی	سطح	درصد	فراوانی	سطح
۳۳/۳	۱۳۳	اسلامی	۸	۳۲	بالا	۶۴	۲۶۴	بالا
۶۴/۸	۲۵۹	تقریباً اسلامی	۳۷/۳	۱۴۹	متوسط	۳۲/۵	۱۳۰	متوسط
۲	۸	غیر اسلامی	۵۴/۸	۲۱۹	پایین	۱/۵	۶	پایین
۱۰۰	۴۰۰	جمع	۱۰۰	۴۰۰	جمع	۱۰۰	۴۰۰	جمع

۱- طی فرایند ساخت شاخص رضایت از زندگی، معرف‌های سازنده شاخص ناسازگاری زناشویی در جهت معکوس کدگذاری مجدد شده‌اند.

میانگین شاخص‌های شش‌گانه پژوهش

آخرین بخش یافته‌های توصیفی، ناظر به گزارش میانگین شاخص‌ها، به صورت کلی و به تفکیک گویه‌های سازنده آن‌هاست. میانگین کلی شاخص گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی برابر با ۳/۸۵ از ۵، (۰/۷۷) است. میانگین کلی شاخص مناسبات عاطفی، برابر با ۴/۰۶ از ۵، (۰/۸۱/۲)، شاخص مناسبات جنسی برابر با ۳/۸۶ از ۵ (۰/۷۷/۲)، شاخص ناسازگاری زناشویی، ۲/۳۷ از ۵ (۰/۴۷/۴) و شاخص معنایابی جنسیت ۳/۵ از ۵ (۰/۷۰) می‌باشد. میانگین کلی شاخص رضایت از زندگی برابر با (۷۶/۱) از ۱۰۰ است. میانگین شاخص‌های مطالعه شده، به تفکیک گویه‌های سازنده هر کدام به شرح زیر است.

جدول ۴- میانگین شاخص میزان گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی به تفکیک گویه‌های سازنده

میانگین		شرح گویه	میانگین		شرح گویه
۱۰۰	۵		۱۰۰	۵	
۷۷/۴	۳/۸۷	دینداری به‌منزله عامل امنیت و آرامش زوجین	۸۲/۲	۴/۱۱	عبادت بودن خوش رفتاری، خوش کلامی و مدارای با همسر در تمام شرایع آسمانی
۷۷/۴	۳/۸۷	حفاظت خانواده از گرفتاری آتش دوزخ از طریق تأمین نیازهای دینی خانواده خود به‌عنوان وظیفه مردان با ایمان	۸۱/۶	۴/۰۸	تعیین خانواده به‌منزله مقدمه اصلی طهارت نسل انسان از طرف خداوند
۷۷/۴	۳/۸۷	قداست و منزلت خاص خانواده از نظر اسلام و قیاس‌ناپذیری آن با سایر نهادهای دیگر	۸۰/۶	۴/۰۳	زوجیت به‌مثابه اساس نظام خلقت
۷۶/۸	۳/۸۴	خانواده به‌مثابه معبد و مکتب بندگی جهت وصول اعضای آن به حیات طیبه	۸۰/۶	۴/۰۳	اهمیت بنیادین پیوند زناشویی و میثاق غلیظ خوانده شده آن از طرف خداوند
۷۴/۶	۳/۷۳	تحکیم خانواده با رعایت ارزش‌های دینی	۸۰/۶	۴/۰۳	جایگاه محوری و کلیدی خانواده از منظر قرآن مجید
۷۳	۳/۶۵	وادار شدن به نماز و قرآن خواندن به وسیله همسر	۷۹	۳/۹۵	رهایش از ننگنا‌های مادی زندگی با توکل به خدا
۶۵/۵	۳/۲۸	تضمین‌ناپذیری پاسداشت حقوق همسر و ادامه زندگی مشترک در صورت عدم پایبندی زوجین به دین	۷۸/۸	۳/۹۴	اخلاق و حقوق، به‌مثابه دو زیربنای ساختار خانواده آرمانی از منظر قرآن
			۷۷/۴	۳/۸۷	خداوند به‌منزله مؤسس خانواده و تأکید حضرتش به طهارت، تعالی و پایداری آن
۷۷	۳/۸۵	میانگین کل شاخص			

در میان گویه‌های سازنده شاخص گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی بیشترین میانگین متعلق به گویه عبادت بودن خوش رفتاری، خوش کلامی و مدارای با همسر در تمام شرایع آسمانی، به میزان ۴/۱۱ از ۵ (۰/۸۲/۲) و کمترین میانگین مربوط به گویه تضمین‌ناپذیری پاسداشت حقوق همسر و ادامه زندگی مشترک در صورت عدم پایبندی زوجین به دین، به میزان ۳/۲۸ از ۵ (۰/۶۵/۵) است. میانگین دیگر گویه‌های سازنده این شاخص در بازه میان بیشینه و کمینه یاد شده واقع شده‌اند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در مورد گویه‌های سازنده شاخص مناسبات عاطفی بیشترین میانگین مربوط به گویه عاطفه‌ورزی به‌منزله عامل دوام و رشد خانواده، به میزان ۴/۴۵ از ۵ (۰/۸۹) و کمترین میانگین متعلق به گویه کاهش فعالیت و معاش به دنبال نبود محبت در خانواده، برابر با ۳/۵۶ از ۵ (۰/۷۱/۲) است؛ سایر گویه‌های سازنده این شاخص از نظر میانگین در بازه میان بیشینه و کمینه یاد شده قرار دارند.

جدول ۵- میانگین شاخص مناسبات عاطفی به تفکیک گویه‌های سازنده

میانگین	شرح گویه	میانگین		شرح گویه
		۱۰۰	۵	
۸۰/۸	فروپاشی خانواده در پی فقدان عشق و محبت بین اعضای آن	۸۹	۴/۴۵	عاطفه‌ورزی به‌منزله عامل دوام و رشد خانواده
۸۰/۶	تأکید قرآن بر پایایی آرامش در مناسبات زوجین ذیل وجود مودت	۸۶/۶	۴/۳۳	فضای سالم میان زوجین و فرزندان در پی روابط عاطفی
۷۷/۶	عاشق همسر بودن و محبت‌ورزی به او	۸۶	۴/۳۰	محوریت روابط عاطفی در تکوین مناسبات حامی‌نگرانه
۷۷/۶	تلاش و رشادت خانواده عامل سعادت و بدبختی جامعه	۸۵/۴	۴/۲۷	آرامش بخشی ازدواج در گرو مکمل‌پنداری زوجین
۷۵/۸	تأثیرپذیری روابط عاطفی و فضای روان‌شناختی خانواده از معنویات	۸۴/۲	۴/۲۱	عشق و مودت بین زوجین عامل انعقاد احسان میان آن‌ها
۷۵/۲	نیاز به عاطفه و همراهی دیگران عامل گرایش به ازدواج	۸۳/۴	۴/۱۷	پایداری و برقراری خانواده در سایه محبت و رحمت
۷۱/۲	کاهش فعالیت و معاش به دنبال نبود محبت در خانواده	۸۳	۴/۱۵	استحکام پیوند زوجین در پرتو اظهار عشق متقابل اعضای خانواده
		۸۲/۸	۴/۱۴	اضمحلال شادابی، متعاقب نبود محبت در زندگی مشترک
۸۱/۲		میانگین کل شاخص		

در میان گویه‌های سازنده شاخص مناسبات جنسی، بیشترین میانگین مربوط به گویه کنارگذاری حیا در خلوت جنسی نمادی از بهترین زن، به میزان ۴/۲۴ از ۵ (۰/۸۴/۸) و کمترین میانگین متعلق به گویه وقوع بسیاری از طلاق‌ها به دلیل مشکلات در روابط جنسی، برابر با ۳/۵۷ از ۵ (۰/۷۱/۴) است؛ میانگین سایر گویه‌های سازنده این شاخص در بازه میان بیشینه و کمینه یادشده قرار دارد.

جدول ۶- میانگین شاخص مناسبات جنسی به تفکیک گویه‌های سازنده

میانگین		شرح گویه	میانگین		شرح گویه
۱۰۰	۵		۱۰۰	۵	
۷۵/۴	۳/۷۷	افسردگی، افزایش احتمال روابط مشروع یا نامشروع با دیگران، تمایل به اعتیاد از آثار مهم ناکامی جنسی مردان	۸۴/۸	۴/۲۴	کنارگذاری حیا در خلوت جنسی نمادی از بهترین زن
۷۴/۴	۳/۷۲	دعوت اسلام به دوری از وسواس و غیرت بی‌جا	۸۴/۴	۴/۲۲	تأثیر زیاد روابط جنسی رضایت‌مندانه در شادابی زوجین
۷۴۰	۳/۷۰	احتمال لغزش جنسی در پی ناآراستگی در برابر همسر	۸۱/۶	۴/۰۸	کاهش لذت ارتباط با همسر در پی روابط نامشروع جنسی
۷۳/۸	۳/۶۹	انجام بهترین آرایش فقط برای همسر و در حضور او	۸۰/۶	۴/۰۳	تأثیرگذاری رابطه جنسی زوجین در مناسبات زناشویی
۷۲/۶	۳/۶۳	آرایش برای شوهر، اولین گام تأمین نیازهای جنسی زوجین	۸۰	۴	تمکین جنسی به‌مثابه یکی از مسئولیت‌های زن در مناسبات زناشویی
۷۲/۶	۳/۶۳	افزایش سن ازدواج از عوامل فساد جنسی	۷۹/۲	۳/۹۶	روابط جنسی رضایت‌مندانه عامل محبت‌آفرینی میان زوجین
۷۱/۴	۳/۵۷	وقوع بسیاری از طلاق‌ها به دلیل مشکلات در روابط جنسی	۷۷/۲	۳/۸۶	ضرورت حیا در روابط زوجین حسب آموزه‌های اسلامی
۷۷/۲	۳/۸۶	میانگین کل شاخص			

در جدول (۷) میانگین شاخص ناسازگاری زناشویی آورده شده است. بیشترین میانگین مربوط به گویه ارضا کننده نبودن رابطه جنسی با همسر، به میزان ۲/۷۵ از ۵ (۰/۵۵) و کمترین میانگین متعلق به گویه تحقیر همسر و خانواده‌اش در مقابل دیگران، به میزان ۲/۰۲ از ۵ (۰/۴۰/۴) است؛ سایر گویه‌های سازنده این شاخص از نظر میانگین در بازه میان بیشینه و کمینه یاد شده قرار دارند.

جدول ۷- میانگین شاخص ناسازگاری زناشویی به تفکیک گویه‌های سازنده

میانگین		شرح گویه	میانگین		شرح گویه
۱۰۰	۵		۱۰۰	۵	
۴۷/۸	۲/۳۹	تنبیه همسر با انجام ناقص امور محول شده از سوی او	۵۵	۲/۷۵	ارضا کننده نبودن رابطه جنسی با همسر
۴۶/۸	۲/۳۴	بی‌حوصله شدن در مقابل همسر و خواسته‌های او	۵۴/۶	۲/۷۳	قطع ارتباط با خانواده همسر هنگام نزاع
۴۴/۲	۲/۲۱	تحقیر شدن از سوی همسر در حضور خانواده پدری	۴۸/۲	۲/۴۱	مصرف درآمد همسر جهت خواسته‌های شخصی
۴۰/۴	۲/۰۲	درخواست طلاق از همسر در هنگام بروز دعوا و مشاجره	۴۸/۲	۲/۴۱	رنج بردن از تنهایی حتی در حضور همسر
۴۰/۴	۲/۰۲	تحقیر همسر و خانواده‌اش در مقابل دیگران	۴۸/۸	۲/۴۴	قطع ارتباط با خانواده پدری هنگام نزاع
۴۷/۴	۲/۳۷	میانگین کل شاخص			

میانگین شاخص معنایابی جنسیت در جدول ۸ قابل مشاهده است. بیشترین میانگین مربوط به گویه احساساتی بودن خانم‌ها در مقایسه با همسرانشان، به میزان ۴/۱۱ از ۵ (۰/۸۲/۲) و کمترین میانگین متعلق به گویه وجود استعدادهای مشابه در زن و مرد، برابر با ۲/۸۷ از ۵ (۰/۵۷/۴) است؛ میانگین سایر گویه‌های سازنده این شاخص در بازه میان بیشینه و کمینه یاد شده قرار دارند.

جدول ۸- میانگین شاخص معنایابی جنسیت به تفکیک گویه‌های سازنده

میانگین		شرح گویه	میانگین		شرح گویه
۱۰۰	۵		۱۰۰	۵	
۶۹/۸	۳/۴۹	زودگذر بودن احساسات زنان در مقایسه با مردان	۸۲/۲	۴/۱۱	احساساتی بودن خانم‌ها در مقایسه با همسرانشان
۶۸/۴	۳/۴۲	مقاومت بیشتر زنان در برابر بیماری در مقایسه با مردان	۷۹/۴	۳/۹۷	فزونی رشد عضلانی و بدنی مردان در قیاس با زنان
۶۷/۲	۳/۳۶	کیفیت خشن‌تر خودکشی مردان در قیاس با زنان	۷۶/۸	۳/۸۴	خشن‌تر بودن مردان در قیاس با ظرافت بیشتر زنان
۶۵/۴	۳/۲۷	بزرگ‌تر بودن متوسط مغز مردان در مقایسه با زنان	۷۶/۶	۳/۸۳	تفاوت زن و مرد به‌مثابه تناسب، نه وجود نقص
۶۲/۴	۳/۱۲	کمتر بودن نرخ خودکشی در میان زنان در مقایسه با مردان	۷۳/۸	۳/۶۹	علاقه‌مندی مردان به شکار در مقایسه با زنان
۶۱/۸	۳/۰۹	امکان ایفای وظایف یکسان از سوی زن و مرد	۷۲/۶	۳/۶۳	مرد به‌مثابه مظهر عقل، زن به‌منزله تجلی عاطفه
۵۷/۴	۲/۸۷	وجود استعدادهای مشابه در زن و مرد	۷۲/۴	۳/۶۲	بهره‌مندی زن و مرد از حقوق یکسان
			۷۱/۴	۳/۵۷	اجتناب زنان از توسل به خشونت درباره خود و دیگران
۷۰	۳/۵	میانگین کل شاخص			

آزمون فرضیات تحقیق

با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها، به استناد عدم معناداری نتایج حاصل از آزمون‌های کولموگروف اسمیرنف^۱ و شاپیرو ویلک^۲ جهت سنجش همبستگی از آزمون پارامتریک استفاده شد. بر اساس جدول (۹) در همه موارد سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است. بدین ترتیب، تمام فرضیه‌های صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بین گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی و ۵ شاخص دیگر پژوهش رد و فرضیات تحقیق تأیید می‌شوند.

نتایج آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد میزان رضایت از زندگی در میان زوجین شهر بندرعباس متناسب با افزایش گرایش آن‌ها به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی افزایش می‌یابد و بالعکس. ضریب همبستگی پیرسون (۰/۳۳۰) نشان دهنده

1. Kolmogrov-Smirnov
2. Shapiro-Wilk

رابطه مستقیم با شدت متوسط است. به موجب نتایج آزمون فرضیه دوم مناسبات عاطفی در میان نمونه مورد مطالعه متناسب با افزایش گرایش آن‌ها به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی رو به افزایش می‌گذارد و بالعکس. ضریب همبستگی پیرسون (۰/۲۶۵) وجود رابطه مستقیم با شدت ضعیف را نشان می‌دهد. بر پایه نتایج آزمون فرضیه سوم، مناسبات جنسی در میان نمونه مورد مطالعه متناسب با افزایش گرایش آن‌ها به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی رو به افزایش می‌گذارد و بالعکس. ضریب همبستگی پیرسون (۰/۲۹۴) به معنای وجود رابطه مستقیم با شدت ضعیف در این‌باره است. بر پایه نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه چهارم، می‌توان گفت هم‌زمان با افزایش ناسازگاری زناشویی در میان نمونه مورد مطالعه، از شدت گرایش آن‌ها به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی کاسته می‌شود و بالعکس. ضریب همبستگی پیرسون (-۰/۶۶) وجود رابطه معکوس با شدت قوی را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج آزمون فرضیه پنجم، معنایابی جنسیت در میان زوجین شهر بندرعباس متناسب با افزایش گرایش آن‌ها به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی اسلامی‌تر می‌گردد و بالعکس. ضریب همبستگی پیرسون (۰/۳۶۰) حاکی از وجود رابطه مستقیم با شدت ضعیف در این‌باره است.

جدول ۹- ماتریس روابط همبستگی پیرسون شاخص‌های پژوهش

متغیرهای پژوهش		مناسبات عاطفی	مناسبات جنسی	ناسازگاری زوجین	معنایابی جنسیت	رضایت از زندگی	گرایش به آموزه‌ها
مناسبات عاطفی	ضریب همبستگی پیرسون	۱	۰/۴۹۶**	-۰/۱۲۳	۰/۲۴۸**	۰/۶۳۷**	۰/۲۶۵**
مناسبات جنسی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۹۶**	۱	-۰/۰۰۹	۰/۳۲۸**	۰/۵۳۲**	۰/۲۹۴**
ناسازگاری زوجین	ضریب همبستگی پیرسون	-۰/۱۲۳*	-۰/۰۰۹	۱	۰/۱۰۲*	۰/۲۵۹**	-۰/۶۶**
معنایابی جنسیت	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۴۸**	۰/۳۲۸**	۰/۱۰۲**	۱	۰/۲۶۶**	۰/۳۶۰**
رضایت از زندگی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۷۳**	۰/۵۳۲**	-۰/۲۵۹	۰/۳۶۰**	۱	۰/۳۳۰**
گرایش به آموزه‌ها	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۶۵**	۰/۲۹۴**	-۰/۰۶۶	۰/۲۶۶**	۰/۳۳۰**	۱
** . معناداری در سطح ۰/۰۱، * . معناداری در سطح ۰/۰۵ (n=400)							

بحث و نتیجه گیری

از زمان گسترش مطالعات جامعه‌شناسانه در نیمه دوم قرن نوزدهم، مردم‌شناسان، مورخان، جامعه‌شناسان و زبان‌شناسان مطالب فراوانی را پیرامون روابط و مناسبات میان دین و خانواده گردآوری کرده‌اند (واخ، ۱۳۸۰: ۵۹). هدف اصلی مطالعه حاضر اطلاع از میزان گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی در میان زوجین شهر بندرعباس بوده است.

بر پایه نتایج مطالعه، میانگین گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی در نمونه آماری مورد مطالعه برابر با ۷۷٪ است. این یافته به خوبی جایگاه بالای آموزه‌های دینی در جهت‌دهی به نگرش و رفتار افراد مطالعه شده را نشان می‌دهد. بخشی از بالا بودن این گرایش را احتمالاً بتوان ذیل دوگانه سنتی - مدرن و هم‌چنین، فاصله جغرافیایی منطقه مورد مطالعه از مرکز، به‌منزله کانون اشاعه و هنجارفرستی ارزش‌های مدرن، تبیین کرد. در نوار جنوبی کشور، متأثر از تأخر در توسعه، ارزش‌های ناظر به توسعه، در مقایسه با دیگر مناطق توسعه‌یافته‌تر، کمتر نهادینه شده‌اند. مطالعه مناطق اخیر نشان می‌دهد ارزش‌های بومی و دینی طی رویارویی با پدیده توسعه غالباً حاشیه‌ای‌تر گشته‌اند؛ از سوی دیگر، نهادینه شدن ارزش‌های جدید نظیر فردگرایی و سبک زندگی مصرفی در مناطق توسعه‌یافته‌تر، در بیشتر موارد، با افزایش آسیب‌های خانواده، از قبیل طلاق، سبک‌های نوین معاشرت زن و مرد، عرفی شدن مناسبات خانوادگی و امثالهم همراه بوده است. صرف نظر از تخصص‌های گفتمانی موجود درباره نسبت دین و توسعه، حداقل بدیهی قضیه این است که توسعه‌یافتگی، در مقام امر واقع، تساهل بیشتری را در جهت رسمیت‌بخشی به فردیت انسان، در مقایسه با گذشته تاریخی، فرهنگی و اجتماعی وی، دامن زده است؛ فردیت لجام گسیخته کارکرد منفی انکارناپذیری در کاهش پایبندی کنشگران مدرن به عناصر ارتقاء دهنده جایگاه خانواده، از قبیل صبر، گذشت، خیرخواهی، خویش‌داری و غایت اندیشی داشته است. به نظر می‌رسد میانگین بالای شاخص‌های رضایت از زندگی (۷۶/۱٪)، مناسبات عاطفی (۸۱/۲٪)، مناسبات جنسی (۷۷/۲٪) و معنایابی اسلامی از جنسیت (۷۰٪) و میانگین کمتر شاخص ناسازگاری زناشویی (۴۷/۴٪) نیز به استناد فاصله جغرافیایی پیرامون-مرکز و تأخر در نهادینه‌شدگی ارزش‌های مدرن قائل تحلیل و تعلیل باشد.

رابطه معنادار میان گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی با رضایت از زندگی می‌تواند این‌گونه تبیین گردد که رضایت زوجین از زندگی، در صورتی که مبتنی بر اقتضائات فطری و طبیعی زوجین و مستقل از رویه‌های تسکینی کاذب تنظیم شود، قهراً پایبندی ذهنی و رفتاری بیشتر آن‌ها به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی را با خود به همراه می‌آورد.

با این یادآوری که شاخص رضایت از زندگی حاصل ترکیب روشمند شاخص‌های مناسبات عاطفی، مناسبات جنسی و معنایابی جنسیت بوده است، تحلیل مبسوط‌تر پیرامون رابطه مثبت و معنادار میان دو شاخص گرایش به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی و رضایت از زندگی، را با بیان این گزاره از سر می‌گیریم که در جامعه امروز، متأثر از دیدگاه‌های سکولار و فمینیستی و هم‌چنین متعاقب برساخت‌های ذهنی برآمده از رسانه‌ها، چگونگی مناسبات جنسی زن و مرد به یکی از کانون‌های اصلی منازعات زناشویی بدل گشته است. قرآن مجید انگیزه‌های فیزیولوژیک و روانی را در قالب آیات گوناگون و در نسبت با مسائل مختلف به رسمیت شناخته است. در این میان، بقای نوع از جمله انگیزه‌های مطرح در ذیل انگیزه‌های فیزیولوژیک است که در قالب انگیزه جنسی و انگیزه مادری نمود پیدا می‌کند (نجاتی، ۱۳۸۸: ۵۱). از سوی دیگر، ذاتی بودن فشار جنسی بدین معناست: ذاتی که در پی ارضای این سائقه است، چاره‌ای مگر تحقق‌بخشی خود ندارد. نکته مهم این است که به‌رغم وجود روش‌های متنوع ارضاء جنسی، اما این نحوه انتخاب شیوه‌های ارضاء جنسی است که مرز مشخص دیدگاه اسلام و روان‌شناسی مادی را تعیین و تمایز امر بهنجار از نابهنجار را آشکار می‌سازد (بستانی، ۱۳۸۸: ۳۳۲).

به بیان روشن‌تر، اقتضای باور به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی نمی‌تواند هم‌عرض با مطلق مناسبات جنسی برای زوج یا زوجه، در مقام تأهل باشد؛ به‌طور متقابل، باورمندی یادشده و نوع صرفاً خاصی از صورت‌بندی مناسبات جنسی می‌توانند در رابطه هم‌افزا با یکدیگر واقع شوند. بعلاوه، دوسویگی رابطه معنادار میان گرایش زوجین به آموزه‌های قرآنی معطوف به مناسبات خانواده و روابط زناشویی و دیگر همبسته‌های مرتبط، مشتمل بر مناسبات عاطفی و معنایابی از جنسیت، در نهایت، افزایش رضایت از زندگی و متعاقب آن، کاهش ناسازگاری زناشویی در میان آن‌ها را نمایانگر می‌سازد.

در تحلیل نظری رابطه همبستگی معنادار میان گرایش به آموزه‌های قرآنی و معنایی از جنسیت اشاره به این نکته ضروری است که جامعه‌شناسان تحول جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی - به‌عنوان دستاورد مدرنیته - را مهم‌ترین عامل مرتبط با تطورات مفهومی جنسیت در نظر می‌گیرند. مدرنیته وضعیتی است که در آن زندگی روزمره انسان پیوندهای سنتی خود را از دست می‌دهد و مردم ناچارند شیوه‌های نوینی برای آن بیابند (هولمز، ۱۳۸۷: ۳۳). به همین اعتبار، در اشکال نوین روابط و مناسبات زن و مرد، هنجارهای سنتی چندان مقبول کنشگران اجتماعی واقع نمی‌شوند. به‌گونه‌ای که امروزه لزوم اجازه شوهر به زن برای خروج از منزل یا موضوع تعدد زوجات، حق الارث نابرابر، تفاسیر سنتی از حجاب و امثالهم کارآیی و مقبولیت خود را تا حدود زیادی از دست داده‌اند (بخارایی، ۱۳۸۶: ۸۵). باوجود واقعیت‌های یادشده، یکی از وجوه نگاه بازاندیشانه به فهم رایج از جنسیت در جامعه‌شناسی، متضمن ملاحظه آموزه‌های دینی پیرامون مفهوم جنسیت خواهد بود.

از نظر پژوهشگران و نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی، مفهوم جنسیت یک امر کاملاً اجتماعی است. از این منظر، زنانگی و مردانگی، مفهومی کاملاً عرفی، مظلوف به فرهنگ حاکم بر یک جامعه مفروض و عاری از هر گونه محتوای جوهری پنداشته می‌شود؛ بدین ترتیب، کیفیت، چگونگی، مختصات، حدود و ثغور زنانگی و مردانگی ماهیتی کاملاً پسینی، برساختی، منعطف و سیال دارند؛ جامعه‌شناسان بر این نکته تأکید می‌کنند که انسان‌ها در بستر جامعه و تعاملات اجتماعی، زن یا مرد می‌شوند. بدیهی است این تلقی رایج از جنسیت در جامعه‌شناسی متعارض و غیر قابل جمع با آموزه‌های دینی و اسلامی می‌باشد. دیدگاه دینی جنسیت، در عین محول ساختن پاره‌ای از وجوه جنسیت به عرف، بر وجود پاره‌ای ابعاد ذاتی در آن تأکید می‌ورزد و آن‌ها را مبنای برخی حقوق و تکالیف متفاوت در زنان و مردان قرار داده است. کاوش در آموزه‌های اسلامی، مؤید این معناست که اسلام وجوهی از زنانگی و مردانگی را به‌مثابه اموری ثابت در نظر می‌گیرد و جنسیت را به صورت مطلق و تمام‌عیار، به‌مثابه امری عرفی قلمداد نمی‌کند. از نظر اسلام، زن انسانی است با چگونگی‌های خاص و مرد انسانی با چگونگی‌های خاص دیگر است. زن و مرد، اگرچه در انسانیت برابرند، اما با این حال، دو گونه انسان، با دو گونه خصلت و روان‌شناسی هستند. هم‌چنین، از نظر اسلام، اختلاف زن و مرد ناشی از عوامل جغرافیایی، تاریخی و اجتماعی نیست، بلکه طرح آن در متن آفرینش ریخته شده است. طبیعت از این دوگونگی‌ها هدف

آموزه‌های دینی و مناسبات خانواده و زناشویی ... ۱۲۵

داشته است، بنابراین، هر گونه عملی بر ضد طبیعت و فطرت، عوارض نامطلوب به بار می‌آورد (دشتی برازجانی، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

تأمل در مناقشات زناشویی، مرور پرونده‌های طلاق و تأمل در سرگذشت زندگینامه‌ای زنان و مردان برخوردار از تجربه طلاق، به روشنی تأثیرات منفی حاصل از تلقی‌های غیردینی زوجین از مفهوم جنسیت را در بروز ناروایی‌های زناشویی نشان می‌دهد. اهمیت مقوله جنسیت، به‌ویژه پیامدهای برآمده از سیال ساختن مفهومی آن، به حدی زیاد است که برخی محققان، ایجاد رابطه علی بین مذهب و فراورده‌های ازدواج در حضور تأثیرات برخاسته از متغیر جنسیت را امری مشکل در نظر می‌گیرند (Mullins, 2016: 2).

منابع

- الله، جل جلاله، **قرآن مجید**، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی
- بخارایی، احمد (۱۳۸۶)، **جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران (طلاق عاطفی)**، تهران: پژواک جامعه
- بستان، حسین (۱۳۸۵)، **اسلام و جامعه‌شناسی خانواده**، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- بستانی، محمود (۱۳۸۸)، **اسلام و روانشناسی**، ترجمه: محمود هوشم، چاپ چهارم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
- بنگستون، ورن آل؛ کاک، آلن س. و دیگران (ویراستار)، (۱۳۹۳)، **دایره‌المعارف خانواده، نظریه‌ها و روش‌ها**، چاپ اول، ترجمه: عالیبه شکر بیگی و شهلا مهرگانی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- پالس، دانیل (۱۳۸۵)، **هفت نظریه در باب دین**، ترجمه: و نقد محمد عزیز بختیاری، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸)، **بن بست امروز بشر**، گردآوری، تنظیم و تلخیص محمدرضا جوادی، تهران: انتشارات پیام آزادی
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲)، **زن در آینه جلال و جمال**، قم: مرکز نشر اسراء
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، **مفاتیح الحیات**، چاپ هفتاد و پنجم، قم: مرکز نشر اسراء
- چیل، دیوید (۱۳۸۸)، **نگرشی جامعه‌شناختی به خانواده‌ها در دنیای امروز**، ترجمه: محمدمهدی لیبی، با مقدمه‌ای از باقر ساروخانی، تهران: نشر افکار
- دشتی برازجانی، عبدالحمید [گردآورنده] (۱۳۸۷)، **دویست و چهل اصل خانوادگی در اندیشه مطهر**، قم: موعود اسلام
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶)، **توسعه و تصاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی آن**، تهران: شرکت سهامی انتشار
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱)، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سروش
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۷)، **خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ساناساریان، الیز (۱۳۸۴)، **جنبش حقوق زنان در ایران، طغیان، افول و سرکوب، از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷**، ترجمه: نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر اختران
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۰)، **اخلاق خدایان**، تهران: طرح نو
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۵)، **جامعه‌شناسی کجروی**، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- سیگر، جونی؛ مدنی، سعید (۱۳۹۵)، **زنان در جهان و ایران**، ترجمه: سید مهدی خدایی، تهران: انتشارات روزنه.
- شالچی، وحید (۱۳۸۷)، **سبک زندگی جوانان کافی شاپ، فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، سال اول، شماره ۱.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان (۱۳۹۵)، **گفتمان‌ها و خانواده ایرانی: جامعه‌شناسی الگوهای خانواده، پس از مناقشه‌های مدرنیته در ایران**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

- صدیق، اسماعیل (۱۳۸۲)، بررسی جامعه شناختی تحولات فرهنگی ارزشی خانواده در شهر تهران، **پایان نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال**
- عبدی، عباس (۱۳۹۳)، **مقدمه‌ای بر پژوهش در جامعه شناسی خانواده در ایران**، تهران: نشر نی
- علی احمدی، امید (۱۳۸۹)، **تحولات معاصر خانواده در شهر تهران**، تهران: نشر شهر
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۳) **تاریخ فرهنگی ایران مدرن**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم.
- فروم، اریک (۱۳۸۵)، **جامعه سالم**، ترجمه: اکبر تبریزی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات بهجت
- فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۸۰)، **مذهب و مدرنیزاسیون در ایران**، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- کچوییان، حسین (۱۳۸۷)، **تطور گفتمان‌های هویتی در ایران**، تهران: نشر نی
- کلارک، آلیسون؛ برنتانو، استوارت کرنلیا (۱۳۸۹)، **طلاق، علل و پیامدها**، ترجمه: سعید صادقی و دیگران، اصفهان: انتشارات پیغام دانش
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، **پیامدهای مدرنیته**، ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز
- لیبیبی، محمدمهدی؛ حیدری، لیدا (۱۳۹۲)، **جامعه شناسی تاریخی ازدواج**، تهران: نشر علم
- لیبیبی، محمدمهدی (۱۳۹۳)، **خانواده در قرن بیست و یکم از نگاه جامعه شناسان ایرانی و غربی**، تهران: نشر علم
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، **فطرت**، چاپ هفتم، تهران: انتشارات صدرا
- نجاتی، محمد عثمان (۱۳۸۸)، **قرآن و روانشناسی**، ترجمه: عباس عرب، چاپ هشتم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
- نصر، سیدحسین (۱۳۹۲)، **انسان سنتی و مدرن در اندیشه سیدحسین نصر**، مقدمه ویلیام چیتک، ترجمه: مهدی نجفی افرا، تهران: جامی
- هودشتیان، عطا (۱۳۸۱)، **مدرنیته، جهانی شدن و ایران، نوشتاری پیرامون جهانی شدن، مدرنیته، بحران تحول و نظریه عدم بازگشت تاریخی در ایران**، تهران: چاپخش
- هولمز، ماری (۱۳۸۹)، **جنسیت و زندگی روزمره**، ترجمه: محمد مهدی لیبیبی با مقدمه ناصر فکوهی، تهران: شرکت نشر نقد افکار
- واخ، یواخیم (۱۳۸۰)، **جامعه شناسی دین**، ترجمه: جمشید آزادگان، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

– Brüderl, Josef; Diekmann, Andreas and Engelhardt, Henriette. (1999), **Premarital Cohabitation and Marital Stability in West Germany**, available at: <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.492.2721&rep=rep1&type=pdf>

– Balkanlio Lu Mehmet Ali (2014). Questioning the relationship between religion and marriage: does religion affect long-lasting marriage? Turkish couples'

- practice of, perception of, and attitudes towards religion and marriage, *The Journal of International Social Research*, 31(7), 516-523
- Lambert, Nathaniel M. & Dollahite, David C. (2006). How Religiosity Helps Couples Prevent, Resolve, and Overcome Marital Conflict, *Family Relations*, 55, 439-449.
 - Mullins, David F. (2016). The Effects of Religion on Enduring Marriages, *social sciences*, 5(24), pp.2-14, doi:10.3390/socsci5020024, available at: <http://www.mdpi.com/journal/socsci>
 - Oslan, David H., & Defrain, John (2006). *Marriage and Family*, New York: McGraw Hill.
 - Thompson & Hickey, (2012).
 - Thompson, William E. & Hickey, Joseph V. (2010). *Sociology in Focus, An Introduction to Sociology*, seventh edition, California: Pearson Education, Inc.
 - Wolfinger, Nicholas H., & Wilcox, W. Bradford (2008). Happily Ever After? Religion, Marital Status, Gender, and Relationship Quality in Urban Families, *Social Forces*, 86:1311-1337